



آثار خطی سعدالدین احمد کابلی بره کی انصاری

پرویز صفرعلی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور سازمان مرکزی تهران.

علی زمانی^۲

دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور اصفهان.

فاطمه کوپا^۳

استاد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران.

فاطمه معین الدینی^۴

دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور کرمان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۸

چکیده

مطالعه، تصحیح و بررسی دقیق نسخ خطی، جنبه های مختلف ادبی و فکری هر دوره را آشکارتر خواهد کرد. با توجه به مشترکات فرهنگی و همسایگی ایران و افغانستان، بررسی نسخ خطی شاعران و عارفان فارسی زبان این خطه، دارای اهمیت بسیار است. به علت تشابهات فرهنگی و تاریخی گذشته، کشوری چون افغانستان به عنوان بخشی از مناطق فرهنگی زبان و ادب فارسی، سرشار از نسخه های خطی ارزشمندی است. یکی از شاعرانی که آثار شعر و نثر عارفانه اش، نقش مؤثری در

^۱.parviz_222@yahoo.com

^۲.zamanialavijeh@yahoo.com

^۳.f.kouppa@yahoo.com

^۴.f.kouppa@yahoo.com

ترویج زبان و ادبیات فارسی و مفاهیم عرفانی داشته، سعدالدین احمد انصاری است که در قرن دوازدهم هجری در توابع کابل می زیسته است. کتاب شعر «شور عشق» اثر سعدالدین احمد انصاری، از نسخه‌های خطی و ارزشمند قرن دوازدهم هجری محسوب می شود که تا کنون مورد پژوهش مستقل قرار نگرفته است، بی شک این پژوهش در روشن شدن وجوه مبهم و ارزش و بهای این کتاب عرفانی موثر واقع خواهد بود.

کلیدواژگان: نسخه خطی، نظم، عرفان، شور عشق، سعدالدین انصاری.

مقدمه

احیای نسخ خطی و معرفی آثار ناشناخته، در حوزه‌ی زبان و ادبیات یکی از دغدغه‌های محققان امروز است، زیرا هر متنی گوشه‌ای از ساختار و تاریخ تطوّر زبان و ادبیات فارسی را نشان می‌دهد. شعر و ادب فارسی علاوه بر مرزهای داخلی در خارج از مرزهای جغرافیایی ایران نیز مورد توجه بوده است و افغانستان یکی از مراکز مهمی است که بیش از هزار سال، زبان ادب فارسی در آن جا رواج و پیشرفت داشته و شاعران و نویسندگان زیادی را تقدیم فرهنگ و ادب فارسی نموده است.

شیخ سعدالدین احمد انصاری از شاعران و عارفانی است که دارای آثار بسیار زیادی در حوزه عرفان است. «یکی از شاعران کلاسیک ادب فارسی، شیخ سعدالدین انصاری است که ایشان را تصانیف بسیار در عمل تصوف و حقایق است اما از آنجا که در مقام فنا، بی نامی و بی نشانی بوده اند. چنانچه در این تصانیف ایشان حجت قوی است. در هر کدام از رسائل خویش اسم خود را موسوم نکرده و در هر کتاب به اسم دیگری شهرت دارد. وی، فرزند مولانا عبدالغفار فرزند مولانا عبدالعزیز فرزند مولانا عبدالکریم برکی انصاری است که نسب ایشان به حضرت معاذبن جبل انصاری می‌رسد.» (انصاری، ۱۳۷۰: ۷۲).

مایل هروی در کتاب تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی آورده است: نسب او را به امام زین العابدین (رض) فرزند امام حسین (ع) می‌رسد. رک: (هروی، ۱۳۸۰:

کتاب «شور عشق» (شورش عشق) یکی از آثار ارزشمند سعدالدین احمد انصاری است و از نسخه‌های خطی قرن دوازدهم هجری بوده، که در سال ۱۲۲۵ هجری با کوشش جیب الله ابراهیم زاده در کابل (افغانستان) چاپ شده است، اما تا کنون مورد بررسی و پژوهش مستقل قرار نگرفته است، بررسی این کتاب، می‌تواند ما را با ادبیات و ویژگی‌های زبانی آن دوره، آشناتر سازد. هدف این تحقیق، معرفی این اثر و فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای آشنایی بیشتر محققان، دانشجویان و دوستان ادب فارسی با این اثر است.

بیان مسأله

یکی از راه‌های شناخت پیشینه فرهنگی و وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، شناخت آثار مکتوب آنهاست. هر یک از نگارش‌های پیشیان حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ ما را دارند، به این دلیل معرفی آثار گمنامی چون کتاب «شور عشق» اثر سعدالدین احمد انصاری، مهمترین موضوع و مبحث این پژوهش است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر که با هدف بررسی کتاب «شور عشق» اثر سعدالدین احمد انصاری انجام یافته است، پژوهشی توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، بصورت کتابخانه‌ای و میدانی است.

ضرورت و هدف تحقیق

با تصحیح و احیای آثار گذشتگان و شناساندن این آثار گمنام و نسخه‌های خطی آنها که در کنج کتابخانه‌ها مهجور و متروک مانده‌اند؛ به نحوی که بر پایه‌ی اصول و موازین پژوهش علمی استوار باشد، می‌تواند زنجیره کتب ادبی را کاملتر نماید، و به شناختی دقیقتر و دانشی صحیح‌تر و کاربردی، درباره‌ی پیشینه فرهنگی و ادب فارسی رسید. به این دلیل معرفی این اثر گمنام و بررسی نسخ خطی «شور عشق» و تفکرات و مفاهیم مندرج در کتاب از اهداف مهم این تحقیق است.

پیشینه پژوهش

از مقالات و پژوهشهای اندکی که برخی پژوهشگران درباره نسخه های خطی آثار شیخ سعدالدین احمد انصاری نوشته اند می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- شرح حال شیخ سعدالدین احمد انصاری، به قلم محمد ابراهیم خلیل احمد الجامی (۱۳۳۵) نوشته شده است و همچنین رساله ای در این خصوص در مجله آریانا به چاپ رسیده است.

- وزیرعلی از نوادگان شیخ سعدالدین انصاری، «شرحی بر غزل شور عشق» نوشته که نسخه آن در کتابخانه مجلس (ایران) موجود است.

- محمدصابر انصاری (۱۳۷۸) گزیده ای از دیوان شور عشق را در نشریه آرش، انتشار داده است.

- محمد ابراهیم خلیل افغانی (۱۳۳۵ هـ ش) گزیده از نشاء القدس را با عنوان «یک مرد بزرگ در کابل» به چاپ رسانیده است.

- نجف جوکار و دیگران مقاله ای با عنوان نو آوری و قالب شکنی در شعر شیخ سعدالدین احمد انصاری را در بهار (۱۳۹۵) در نشریه فنون ادبی دانشگاه شیراز چاپ نموده اند.

- عارف نوشاهی در مقاله ای کوتاه در مجله میراث مکتوب به شرح حال سعدالدین انصاری پرداخته است.

اما تا کنون هیچ پژوهش مستقلی به بررسی کتاب «شور عشق»، اندیشه های عارفانه و نسخ آن نپرداخته و از این حیث این پژوهش نو و تازه است.

پژوهشگاه علوم انسانی
مطالعات فرهنگی

معرفی سعدالدین احمد انصاری

برخی از پژوهشگران «سعدالدین احمد برکی کابلی احمد انصاری ناطقی» (۱۲۲۵ق.) را فرزند مولانا عبدالغفار فرزند مولانا عبدالکریم، از عرفای قرن ۱۲-۱۳ هـ. ق؛ می دانند و

برخی دیگر نسب وی را به معاذبن جبل انصاری می‌رسانند. رک: (هروی، ۱۳۸۰: ۱۴)

نسب شیخ سعدالدین احمد انصاری را به امام زین العابدین می‌رسانند. در این باب چنین

گفته اند: «حضرت ایشان از طرف والد ماجد اعنی مرحوم مبرور مولانا عبدالغفار بن مولانا

عبدالعزیز بن مولانا عبدالکریم هم سیداند و هم از انصاراند، و از مولانا عبدالکریم بالاتر

پشت بر پشت انصار بوده اند. به حضرت معاد جبل انصاری - رضی الله عنه - می رسند. و چون والده ماجده مولانا عبدالکریم سیده بوده اند از اولاد حضرت امام زین العابدین - رضی الله عنه - لهذا مولانا عبدالکریم هم نسبت سیادت داشتند» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۱۹۸).

مسکن و ماوی شیخ ده «عریان» از توابع کابل (افغانستان) بوده و در منابع به صراحت به این موضوع اشاره شده است: «مسکن و ماوی اجداد شیخ، ده «عریان» بوده که بنا کرده و معمور نموده اجداد بزرگوار ایشان است. در عهد عبدالله بن عمر - رضی الله عنه - بعد از فتح عراق اجداد بزرگوار ایشان از عربستان هجرت نموده به ولایت هرات آمده بودند و باز از آنجا کوچیده به سمت کابل زمین تشریف فرما شده بودند و در دهی که مشهور به ده «عریان» است، رخت اقامت انداخته مدت‌ها و... هجرت اختیار نموده به «ده یحیی» تشریف ارزانی فرموده بودند.» (همان: ۱۹۸)

با توجه به اشعاری که در کتاب شور عشق آمده و شیخ سعدالدین ضمن ارادت به پیامبر و امامان شیعه، ارادت و محبت خود را به خلفای اهل تسنن بیان داشته، کاملاً مشخص است که شیخ، مسلمان و از اهل تسنن بوده است:

قلعه علم و حیا گشته ز عثمان بنا

داده دودختر و را هم چو مه خاوری

علم نبی را کمال داشت علی قال و حال فاطمه بود ش عیال باحسن و عسگری

حیدر کرار اوست قاتل کفار اوست میر علم دار اوست در شکن خیری

(انصاری، ۱۳۲۸: ۳۴۸)

در باب ارادت و محبت شیخ به خلفای اهل تسنن، در جای دیگر کتاب آمده است:

دلق رسول بر قد عرعر نوشته اند بنت بتول زوجه عمر نوشته اند

عثمان باحیا بود که بود یار سیمین جزو کلام را شده شیرازه متین

(همان: ۱۲۸)

در کتاب شور عشق به موطن وی (ده یحیی) اشاره شده: «نام سعدالدین احمد بر کی انصاری است که وطن مالوف قریه ای است از توابع بلاد کابل که موسوم بر ده یحیی است استفسار و مسألت نمود...»

(انصاری، ۱۳۲۸: ۷)

نام اصلی این عارف والا مقام، سعدالدین احمد بوده است و با القابی چون « حاجی صاحب، دیوانه صاحب، در بین مریدان و مردم معروف بوده است. سعدالدین احمد، پنج همسر و در مجموع ۳۶ فرزند داشت.

وی مریدان و علاقمندان زیادی به دور خود جمع نمود و به تربیت مریدان پرداخت؛ بسیاری از مردم افغانستان با وی بیعت نمودند. این عالم و عارف روزگار خویش با علوم و فنون زمان خود (قرن ۱۲هـ) چون علوم بلاغت کاملاً آشنا بوده و به زبان عربی بخوبی سخن می گفت. وی علاقه وافری به شاعران ادب فارسی چون حافظ و مولوی داشته و آثار آنها را بسیار می خوانده و در کلام خود از اشعار این شاعران استفاده می نمود.

شیخ در زمان نوجوانی نزد پدر عالم خویش با فقه و کلام آشنا گشته و در سن نه سالگی به زیارت مکه مکرمه رفته و ظاهراً با وجد و جذبه عرفانی در نوجوانی آشنا گریده است.

شیخ سعدالدین دارای ۱۴۱ اسم و لقب بوده است: «جناب حضرت شیخ را یک صد و چهل و یک اسم است که در واقعه بر یکی از مخلصان و مریدان ایشان که ساکن زرمند بوده و

میرابراهیم نام داشته و قریشی بوده، به طریق الهام مکشوف شده.» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۱۹۹)

۱۴۱ نام و لقب در کتب برای شیخ ثبت شده و بیان داشته اند که این اسامی در خانقاه به عنوان ورد و دعا خوانده می شدند و علما، مشایخ کشمیر، سادات پیشاور و یکی از خلفای

شیخ نیز رساله هایی در شرح اسمای شیخ تألیف کرده اند. رک: (همان: ۱۹۹)

چنانچه در وصف شیخ گفته اند: «او در تصوف و عرفان به مرتبه والایی رسیده و طریق تازه ای را در این مکتب اساس گذاشته است.» (هروی، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

با توجه به متن کتاب شور عشق کاملاً مشخص و مبرهن است که شیخ در طریقت نقشبندیه بوده است، وی اجازه ارشاد، در طریقه نقشبندیه و قادریه را از شیخ محمد سمان مدنی کسب نمود: « از صحبت ایشان فایده های حاصل نموده به تخصیص از طریقه عالیه حضرات نقشبندیه قدس الله تعالی اسرار هم و باز چون که به شرف آستان عرش نشان سید عالمیان مشرف گردیده و در زیارت روضه اطهر انور مفوض گردیده در آن بلده طیبه زکیه به سرفرازی صحبت قطب الاقطاب و غوث الاصحاب حضرت شیخ محمد بن شیخ عبدالکریم السمان المدنی ممتاز گشته و از خوان و افره و احسان باهره حضرت ایشان نیز بهره مند آمده» (انصاری، ۱۳۲۸: ۷)

آثار سعدالدین احمد انصاری

در منابع، تعداد کتب و مقالات وی را بالغ بر ۳۶ اثر نگاشته اند. «من جمله تصنیفات سعدالدین احمد انصاری، نسخه خطی کتابی موسوم به (عین الحقیقه) حاوی ۲۲۵ صفحه و هر صفحه دارای ۱۵ سطر از آغاز الی انجام متضمن علم تصوف و معرفت است شیخ کثیر التصانیف بود و فهرست تألیفات وی را که آمیخته به نظم، آیات و احادیث است، قریب ۳۲ مورد مشتمل بر دواین (دیوان عشق جوش، دیوان اخبار خرابات، دیوان اسرار مأوای ذات، دیوان حسن فروش، دیوان بیرخ، دیوان شیخ قدوسی، دیوان شور عشق، مثنویات، حقایق المعارف و رازنامه که در حین تألیف نشاء القدس در حال نگارش بود نگارش عربی (معدن وحدت) و نامه های شیخ بوده است که در جواب عرایض و سؤالات عزیزان و بزرگان اطراف عالم از بلخ، بخارا، سمرقند، کشمیر و کامه می نوشت و تعداد نامه های وی را در حدود ۷ نامه نقل کرده اند.» (نوشاهی، ۱۳۹۰، ۲۰۱)

بیشتر آثار وی به زبان فارسی نگاشته شده است و برخی نیز به زبان عربی؛ از آثار وی می توان به کتب زیر اشاره نمود:

- ۱- شور عشق ۲- شورش عشق ۳- جوش عشق ۴- جوشش عشق ۵- سوز عشق ۶- ساز عشق
- ۷- نیرنگ عشق ۸- فرهنگ عشق ۹- آهنگ عشق ۱۰- عین الایمان ۱۱- کشف المحققین

۱۲- تفسیر معدن الاسرار که در سنه ۱۳۴۵ هـ- ق در مطبع ستاره هند لاهور طبع گردیده. ۱۳- معیار الکشف ۱۴- مرات الجمال ۱۵- حسن فروش، ۱۶- دیوان، ۱۷- رساله درود تاتار شریف، ۱۸- رساله خواص ۱۹- آهنگ عشق ۲۰- کتاب معدن وحدت و... رک: (همان: ۲۰۱-۲۰۲)

دواوین شیخ سعدالدین نیز شامل این موارد است: دیوان عشق جوش، دیوان اخبار خرابات، دیوان اسرار ماوای ذات، دیوان حسن فروش، دیوان بیرخ، دیوان شیخ قدوسی، شور عشق، مثنویات، حقایق المعارف، رازنامه. رک: (همان: ۲۰۱-۲۰۲)

معرفی نسخه های کتاب شور عشق

از منظومه شور عشق (شورش عشق) دو نسخه با مشخصات زیر برجای مانده است:

۱- دیوان شور عشق؛ به شماره بازیابی ۹۵۵۶، که در کتابخانه مجلس نگهداری می شود و دارای ۴۰۰ صفحه است؛ این نسخه در مقایسه با نسخه اصلی (گنج بخش) بخش هایی از کتاب محذوف شده و برخی نیز دچار فرسایش گشته و مخدوش است.

۲- نسخه گنج بخش پاکستان به شماره ۱۵۳۱۱ که در کتابخانه گنج بخش (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان) نگهداری می شود و توسط یکی از نوادگان سعدالدین احمد انصاری به نام «میر اکبر ولد میر قیام الدین» در کابل بسال ۱۳۲۸ هجری قمری کتابت شده و در حدود ۵۳۸ صفحه است و ظاهراً این نسخه، کاملتر از نسخه کتابخانه مجلس (ایران) است.

کاتب نسخه، در پایان کتاب شور عشق، به کتابت این اثر و معرفی خود اشاره نموده است: «تمت تمام شد این کتاب رازنامه از تصنیفات شیخ سعدالدین احمد انصاری رحمه الله علیه به دست خط فقیر حقیر میراکبر ولد میرقیام الدین ولد میر برهان الدین ولد میرامام الدین ولد شیخ سعدالدین احمد انصاری در شهر کابل اتمام یافت والسلام» (انصاری، ۱۳۲۸: ۵۳۸)

معرفی کتاب شور عشق

کتاب شور عشق، دیوانی بالغ بر ده هزار بیت است. کاتب (میر اکبر) در مقدمه کتاب با نثری شیوا به معرفی شیخ سعدالدین پرداخته. هر دو نسخه این اثر، با این بیت شروع شده است:

اول بنام آنکه به هر ذره نام داد سرمایه وجود بهر خاص و عام داد
کاتب، در دیباچه کتاب (نسخه اساس = گنج بخش) به شرح حالی از شیخ و حالات عرفانی
وی می پردازد، و کتاب را با حمد و ثنای باری تعالی آغاز می کند:

«حمدی که ورا نهایت و حد نبود یعنی که جز او شهود و شاهد نبود

هم حامد و محمود حمید است به الله که جز الله محمد نبود

... بر این جریده ساده که از کاف و نون و القلم و مایسترون بر دیباچه لوح بوقلمون،
نکته نطفه علاقت بی چون را مصور سازم تا دماغ فراغ رایحه روح و خیال آمال حیات
فتوح و خطیب ادیب تایب نصوح را معطر گردانم.» (انصاری: ۱۳۲۸: ۱).

سپس سعی نموده که به معرفی شیخ و شرحی از زندگی وی پردازد: «ایشان معتکف
مسجد همایون رسالت پناهی شده و در اعتکاف او را گشودی، از فتوح روضه سالار
الانیا علیه الصلوه والسلام آمده و اسرار راه غامضه مر او را مکشوف گشته که از درک
اکثر عقلا و عرفا بیرون بوده، چنان چه رساله مسما به کشف المحققین دران اعتکاف
در سرروضه مبارک مسجد معلی تصنیف نموده و بعد از آن در سنه ۱۱۷۱ یک هزار و
یک صد هفتاد و یک به وطن اصلی مراجعت نموده که آن قریه در حدود بلاد کابل
مشهور به ده یحیی است و خلق خدای را این جانب صراط مستقیم طرق غرا هادی
آمده...» (همان: ۲-۱)

کاتب پس از حمد و ثنا و شرحی کوتاهی، در مقدمه به بیان مبحث اسما الحسنی گریز میزند
و در باب اسماء الهی چنین آورده است: «شطحیه که از ارباب سکر و مواجید به سمع عقلای
از من رسد، آن را کلمات قدسیه الهامیه شمارند و قائل آن، او را تعالی انگارند و او را چون
شجر طور سینا مستغرق انوار ربوبیت دانند تا زنگ غلط شک و ریب دویی از آینه یقین
زدوده گردد» (همان: ۵)

سعدالدین احمد در کتاب شور عشق در برخی فصول به شرح غزلهای خود پرداخته و در
برخی تغزلات عرفانی نیز به استقبال شاعرانی چون حافظ و مولوی رفته و با نام «شیخ قدسی و

شیخ قدوسی»، در پایان اشعار تخلص داشته ؛ وی در انتهای کتاب، اشعار عرفانی را با سرفصل «راز نامه» سروده است.

توجه به نبوت و امامت

سعدالدین که عارفی دلسوخته و بنده ای مخلص است؛ بارها با زبان شعر، ارادت و محبت خود را به نبی مکرم اسلام در این کتاب بیان داشته:

پیرایه جمال محمد، محبت است
محبوب حق بدانش و محبوب جان بگو
جان زنده از وی است و بدن زنده شد به جان
سرمایه حیات جهانش روان بگو
خلاق، صورتی به ازو از ازل نه ساخت
صورت نمای حسن علیمش نشان بگو
(انصاری: ۱۳۲۸: ۳۸).

شیخ ، پس از ابراز محبت و ارادت، با زبان و بیانی عارفانه و با استمداد از آیات مقدس الهی جسم پیامبر از عالم مکان (ماده) و جوهر وجودی و ذات پاک او را به عالم بالا و لامکان می داند:

قل انما انا البشر مثلکم بخوان
جسمش مکان و جوهرش از لامکان بگو
آن نقطه که مرکز آفاق و انفس است
خال محمد است به حُسن بتان بگو
لوح و قلم به نعت محمد زبان گشود
بر کاف و نون تو نکته برین کن، فکان بگو
(همان: ۳۴۸)

شیخ بارها ارادت و محبت خود را به حضرت فاطمه زهرا (س) و ائمه هدی بیان می کند:
سید اولاد آدم، فاطمه باشد بنام
یا علی و آدم مر او را با شهود صالحین
من خلیفه مصطفی و جبریل از مرتضی
حق به داد من قبولش کردم از حق یقین
(همان: ۳۴۳)

بررسی اندیشه‌های برجسته عرفانی شیخ سعدالدین در کتاب شور عشق

یکی از موضوعات و خصایص بارز این کتاب توجه به اندیشه های عرفانی است. در واقع کتاب شور عشق، فرصتی برای سعدالدین محسوب شده که اندیشه ها و تفکرات خود را در

قالب شعر بیان دارد. وی کتاب خود را با تحمیدیه و حمد و ثنای باری تعالی آغاز نموده است؛ تحمیدیه به معنای حمد و ستایش باری تعالی است و در اصطلاح عبارت است، از مقدمه ای که در آغاز کتب، در ستایش خدا و برشمردن نعمتهای وافر و صفات ارزنده او آورده می‌شود.

حمد آن گویم که پیش از آن، نه آن نه این
در یکی آن کرده پیدا از اولین تا آخرین

(همان: ۵)

سعدالدین، بارها در اشعار عرفانی خود را مورد خطاب قرار داده است:
نیست سعدالدین انصاری، در این عرفان شریک
لا شریک است آن احد اندر صفات، ذات هم

(همان: ۵)

عشق و سوز دلدادگی و جذبۀ از موضوع‌های اساسی عرفان اسلامی و از ارکان استوار منظومه‌های عرفانی است؛ از همین رو عرفا و علما با بیان اندیشه‌های عرفانی، قصد دارند، در راه رسیدن به حق تعالی، عاشقان راستین را هدایت نمایند.
سعدالدین انصاری که طعم جذبۀ حق را چشیده و علوم عرفانی را فرا گرفته در اشعارش سعی دارد، اندیشه‌های عرفانی خود را به زبان شعر و استمداد از نظم شیرین فارسی بیان دارد. در زیر به برخی اندیشه‌های عرفانی وی در کتاب شور عشق می‌پردازیم.

توجه به موضوع «حقیقت محمدیه»

یکی از موضوعات مهم و بحث برانگیز عرفان اسلامی «حقیقت محمدیه» است؛ در این مبحث عرفانی، ذات پاک پیامبر را واسطه فیض و خلق عالم هستی می‌دانند، و پیامبر عظیم الشان را به عنوان انسان کامل و آئینه تمام نمای عالم هستی برمی‌شمارند و وجود نازنین ایشان را با عناوینی چون قطب‌الاقطاب، انسان کبیر، قلم اعلی و روح اعظم و... خطاب قرار می‌دهند. در

حقیقت پیامبر در میان انبیا و اولیای خدا موقعیت خاص و ویژه‌ای دارد. «برخی از حقیقت وجودی رسول اکرم (ص) به عنوان جوهر و حقیقت نبوت یاد کرده و حقیقت محمدیه را به "کتاب مبین" تعبیر نموده اند که آیات حکمت و معرفت در آن درج گردیده است. در وجه دیگر، وجود رسول الله (ص) را بعینه صراط مستقیم دانسته اند، که رسیدن به معرفت حق تعالی جز از طریق معرفت به حقیقت او ممکن نیست.» (امین، ۱/۱۳۸۹: ۶۳)

پیامبر اکرم در این باره فرمودند: «خداوند موجودی برتر از من نیافریده است» (مجلسی، ۱۳۷۰/۱۸: ۳۴۵). البته این حدیث نبوی، اشاره به برتری و تفضل حضرت رسول (ص) در میان انبیا دارد. علامه طباطبایی در این باره می گوید: «تحقیقاً وجود مقدس پیامبر (ص) در نشئه خلقت و آفرینش اولین تعیین و نزدیک‌ترین مخلوق به اسم اعظم است که اسم اعظم امام ائمه اسماء و صفات است. و گرنه به لحاظ مقام ولایت کلی و برزخیت کبری که در قرآن از آن به مقام «دنی فتدلی»^۵ یاد شده و در اصطلاح عرفانی از آن به «وجود انبساطی اطلاق» و «وجه الله الاعظم و باقی» و مانند آن یاد می‌شود، همه موجودات و تعیینات در حقیقت وجود او مستهلک‌اند و اساساً چیزی از مخلوقات را نسبتی با او نیست؛ زیرا او بر همه احاطه قیومیه دارد، لذا افضلیت معنا ندارد و اولین و آخرین تصور نمی‌شود، بلکه او اول است در عین آخر بودن، و آخر است در عین اول بودن، به همان وجهی که باطن است، ظاهر است.» (امام خمینی، ۱۳۵۹: ۷۵)

امام خمینی با اشاره به جایگاه حقیقی پیامبر خاتم (ص) و تکیه بر فرمایشات آن حضرت که نخستین چیزی که خداوند آفرید نور من یا روح من بود ایمان به رسالت آن حضرت را در نهاد تمامی موجودات می‌داند، به گونه‌ای که سالکان جبروت و انوار قاهره و قلم‌های عالیه الهی نخستین کسانی بودند که به رسول غیبی و ولی حقیقی (پیامبر اسلام (ص) ایمان آوردند و همین گونه به ترتیب سیر نزولی وجودی از عالی تا سافل ایمان آوردن به این رسول الهی ادامه

۵. دنی فتدلی (نجم / ۸)

پیدا کرد تا به عالم ماده و ساکنان زمین رسید. امام این معنا را یکی از معانی فرمایش رسول خاتم(ص) می داند که فرمود آدم و هر آنکه غیر اوست، در زیر لوای من هستند. رک: (امام خمینی، ۱۳۵۹: ۵۵)

سعدالدین در این باره با توجه به موضوع حقیقت محمدیه می گوید: «نور بعثت محمدی علیه السلام می گویم که آن نور ساری و جاری است در بطون و ظهور کل ذرات ممکنات من حیث الهو هو کاین و باین حقا و عدلا.» (انصاری: ۱۳۲۸: ۱۱).

محمی الدین ابن عربی با استناد به حدیث «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین»، نبوت را در ایشان سابق بر انسانیت می داند، زیرا تأکید حدیث بر موجود بودن یا انسان بودن نیست بلکه بر نبوت است. رک: (ابن عربی، ۱۳۷۰: ۱۴۳)

علامه مجلسی نیز در این باب گفته است: شروع خلقت عالم انوار و به طور کلی عالم هستی از خلقت نور و روح حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که خداوند آن را از نور وجود خود آفرید. سپس از نور وجود حضرت ختمی مرتبت، نور حضرت علی علیه السلام را آفرید و از آن دو نور طیب، نور حضرت فاطمه علیها السلام را خلق کرد و از این سه نور پاک، انوار حضرت حسن و حسین علیهما السلام را آفرید و از نور امام حسین علیه السلام، انوار نه امام دیگر را به ترتیب آفرید، پیش از این که مخلوق دیگری را آفریده باشد، نه آسمانی و زمینی و نه خورشید و ماهی و نه آب و هوایی و نه هیچ چیز دیگر. رک: (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۹-۱۶۸)

شیخ سعدالدین نیز در باب مراتب عالم خلقت و حقیقت محمدیه معتقد است که اول چیزی که خالق هستی خلق نمود، نور وجود حضرت ختمی مرتب است: «حقیقت محمدی را برزخ بین الوجوب والامکان اهل علم مناسبت می دهند و... حقیقت آن سرور است علیه الصلواه و السلام نه مرا آرای گفتن است و نه دیگری را یارای شنیدن. همین بس است که فرمود اول ما خلق الله تعالی نوری، قول فجر صادق است علیه السلام که نور خود را مخلوق یاد کرد.» (انصاری: ۱۳۲۸: ۸).

موضوع «اولیت»

یکی از موضوعات مهم عرفانی که در باب آفرینش اولین مخلوق، مطرح شده، موضوع «اوّلیت» است. عزیزالدین نسفی در شرح این موضوع و مبحث اوّلیت فصلی از کتاب‌های این دوره را به خود اختصاص داده است و بر آن است که این تأکید در اولیت سبب شده است برخی این حقیقت را خدا پندارند. تطبیق این اوّلیت با برخی احادیث که عناوین مختلفی، از قبیل لوح، قلم، عقل، و عرش، را مخلوق اول معرفی می‌کند، عرفا را به تبیین ارتباط حقیقت محمدیه با این عناوین سوق داده. رک: (نسفی، ۱۳۴۱: ۱/۳۱۵)

البته بیشتر عرفا، خلقت عالم روحانی را متقدم بر عالم جسمانی می‌دانند: «خلقت عالم روحانی بر عالم جسمانی تقدّم دارد و این مطلب را می‌توان از خود روایات استفاده کرد. در روایت دیگری از حضرت علی علیه‌السلام آمده است که نور ۱۲۴ هزار پیامبر و رسول نیز از نور وجود پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خلق شده است، پیش از این که موجود دیگری خلق شده باشد که باید آنها را نیز مربوط به خلقت عالم انوار دانست.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸/۱۵)

سعدالدین با توجه به موضوع آفرینش اولین مخلوق و مبحث «اوّلیت» به مفاهیم و تفکرات عرفانی چون «اول ما خلق الله تعالی القلم»، «اول ما خلق الله العقل» و «اول ما خلق الله القلم» پرداخته است.

« اول ما خلق الله تعالی القلم »

سعدالدین در این باره به اشاره به آفرینش قلم به عنوان اولین آفریده می‌گوید: «باز خبر داد اول ما خلق الله تعالی القلم؛ پس در این سه صورت کلیه حقیقت محمدی است، علیه الصلوات والسلام؛ که ماء و ماهیت خبری ازوست که فرمود: قول تعالی و جعلنا من الماء کل شی حی که حیات کل اشیاء ممکنه و مادهٔ جمیع موجودات آب حیات هستی وجود محمدی است» (انصاری: ۱۳۲۸: ۱۰-۹).

نسفی در پاسخ به این پرسش که آیا مقام اولیت از آن یک جوهر است یا چند جوهر، جهان را به مُلک و ملکوت تقسیم می‌کند و بیان داشته: اول چیزی که خدا در ملکوت آفرید عقل اول یا همان قلم الهی و اول چیزی که در جهان مُلک آفرید فلک اول یا

همان عرش بود . پس خداوند به قلم که دریای نور است فرمان داد که بر عرش بنویسد و آنچه قلم نقش کرد نور نبی و ولیّ بود. رک: (نسفی، ۱۳۴۱: ۱ / ۲۲۰)

« اول ما خلق الله العقل »

عقل، جوهری است که هم به ذاته مجرد است و هم بالفعل؛ یعنی نه مادی و نه جسمانی است و برای انجام دادن کارهایش محتاج کسی و چیزی نیست و نیاز ندارد که با بدن یا جسمی مربوط باشد. علامه طباطبایی در این باره می گوید: «در نظام وجود عالمی است بنام عالم عقول و این عالم، واسطه در ایجاد عالم پایین تر است. حال برترین موجود عقلی همان «عقل اول» یا «صادر نخستین» است که واحد است و بالفعل؛ و وجودش متوقف بر ماده و مدت و استعداد نیست و در ایجاد و تأثیر جز به ذات الهی به چیز دیگری نیازمند نمی باشد. در عقل اول همه کمالات حق تعالی ظهور یافته است. این موجود، کامل ترین موجود عالم امکان است و در میان ممکنات از همه شریف تر و کامل تر و بسیط تر و قوی تر است اما در عین حال نسبت به واجب تعالی عین نیاز و فقر و وابستگی وجودی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۷۱)

شیخ سعدالدین در جای دیگر از کتاب شور عشق، با توجه به موضوع « اول ما خلق الله العقل » به مبحث «خلق الله تعالی نوری» گریز می زند و در شرح این مبحث چنین آورده است: «بر سر بیان ظهور نور محمدی علیه السلام فرمود اول خلق الله تعالی نوری و باز فرمود اول ما خلق الله العقل» (انصاری، ۱۳۲۸: ۱۰).

در رابطه با اول ما خلق الله العقل باید گفت البته این موجود مجرد تام (عقل کامل)^۶ را نباید با عقل انسان (عقل معاش) که یکی از قوای نفس است و بوسیله آن تفکر و اندیشه بشری اشتباه کرد. «در نظام وجود عالمی است بنام «عالم عقول» و این عالم، واسطه در ایجاد عالم پایین تر است. حال برترین موجود عقلی همان «عقل اول» یا «صادر نخستین» است که واحد است و بالفعل؛ و وجودش متوقف بر ماده و مدت و استعداد نیست و در ایجاد و تأثیر جز به ذات الهی

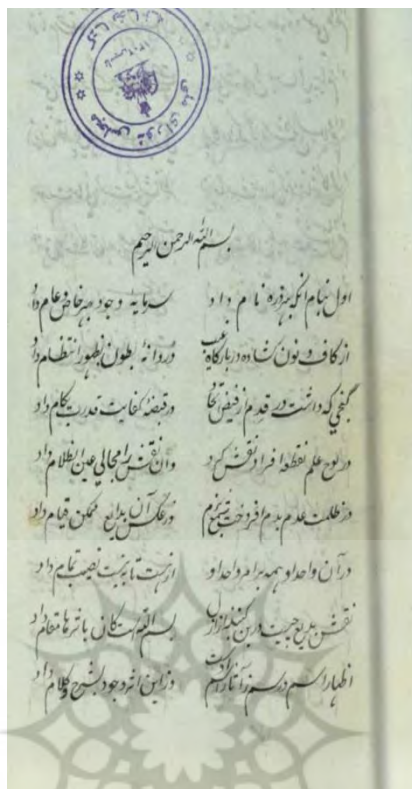
^۶ مقصود از (عقل) در اول ما خلق الله العقل، انسان کامل است.

به چیز دیگری نیازمند نمی‌باشد. در عقل اول همه کمالات حق تعالی ظهور یافته است. این موجود، کامل‌ترین موجود عالم امکان است و در میان ممکنات از همه شریف‌تر و کامل‌تر و بسیط‌تر و قوی‌تر است اما در عین حال نسبت به واجب تعالی عین نیاز و فقر و وابستگی وجودی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۷۱)

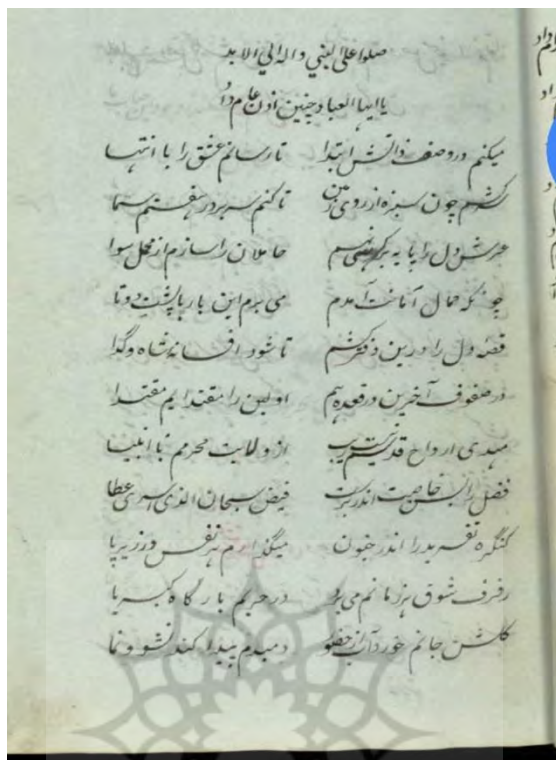
صوفیان و عرفا دو عنصر عقل (عقل معاش) و عشق را از همدیگر جدا می‌دانند و برای هر کدام از آنها حد و مرزی قائل هستند. آن‌ها عشق را ضد عقل برمی‌شمارند و معتقدند که عشق هر کجا خانه‌گزیند، قلمرو عقل (عقل معاش) از بین می‌رود. به همین دلیل است که در ادبیات عرفانی عقل و عشق در تقابل هم قرار گرفته‌اند. شیخ سعدالدین در باب عقل معاش که بازدارنده از عشق است می‌گوید:

عقل گوید که حذر کن تو ز گرداب بلا عشق گوید که بزن غوطه، میندیش هلا
عقل گوید به مرض رو به طیبیان می‌کن عشق گوید که بکن صبر، رضا ده به قضا
عقل گوید که برو دانه و دامی بنشان تا کنی صید تو چندی به فریب و به دغا

(انصاری: ۱۳۲۸: ۲۴).



تصویر ۱. صفحه آغاز نسخه شور عشق کتابخانه مجلس.



تصویر ۲. صفحه پایان شور عشق کتابخانه مجلس.

نتیجه گیری

کتاب شور عشق (شورش عشق) دیوان شعری است، بالغ بر ده هزار بیت از سعدالدین انصاری کابلی از شاعران و عارفان فارسی زبان که در ده یحیی در توابع کابل (افغانستان) در قرن ۱۲ هجری می زیسته. این عارف صاحب ذوق، در زمان خود مریدان بی شمار داشته و در تربیت شاگردان و علاقمندان به عرفان و خداشناسی تلاشی شایسته داشته و صاحب تألیفات بسیار ارزشمندی از جمله شور عشق می باشد که توسط یکی از نوادگان او؛ میراکبر کتابت شده و کاتب در مقدمه شرح حال مختصر از زندگی این سید والا مقام که نسبش به امام زین العابدین می رسد آورده. این اثر دارای دو نسخه است؛ که نسخه اول در کتابخانه گنج بخش پاکستان

و نسخه دوم در کتابخانه مجلس (ایران) نگهداری می شود. این دیوان، دارای اشعاری در قالب مختلف چون مثنوی، رباعی، ترجیع بند است که در بحور مختلف عروضی به نظم درآمده. در حقیقت این کتاب وسیله و فرصتی مناسب در اختیار سعدالدین انصاری قرار داده تا همچون عارفان خوش ذوق با کمک و مدد نظم شیرین فارسی و زبان و کلمات عرفانی از تفکرات ناب عارفانه خود برای مخاطبان و شیفتگان عرفان اسلامی صحبت کند. اشعار عرفانی وی در قالب موضوعاتی چون مدح و تمجید باری تعالی، ثنا و مناجات باری تعالی، مدح پیامبر، ارادت و محبت به خلفای اهل سنت، ابراز محبت به ائمه هدی و فاطمه زهرا و علی (ع) و... بیان شده اند. شاعر در کنار این موضوعات، روایتیایی چون نکاح حضرت زهرا (س) و... را نیز با زبان شعر بیان کرده است. با وجود اینکه، این شاعر عارف، اشعاری در مدح خلفای اهل سنت دارد و پر واضح است که اهل تسنن بوده، ولی با احترام و ارادت خاصی نسبت به مرتضی علی (ع) نیز سخن رانده و تفکرات پاک و بی آرایش عارفانه خود را با مباحثی چون تقدم عالم روحانی بر جسمانی، حقیقت محمدیه و تقدم پیامبر بر اولیای پیشین، تقدم آفرینش عقل کل (انسان کامل)، قلم، لوح و... در قالب اشعاری عارفانه بیان داشته و گاه از آیات قرآنی برای بیان اندیشه های عارفانه استمداد جسته است. در مجموع این دیوان مشحون از اشعاری عارفانه سعدالدین احمد انصاری است که شاعر به وسیله اصطلاحات ناب عرفانی چون رند، شراب، ساقی، قلندر و... اندیشه ها و تفکرات پاک و الهی و ارزشمند خود را به رشته نظم کشیده است.

منابع

- ابن عربی، محی الدین (۱۳۷۰) **فصوص الحکم**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- امین، سیده نصرت (۱۳۸۹)، **مخزن العرفان** در تفسیر قرآن، ج ۱، اصفهان: گلبهار.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۷۰). **دیوان شور عشق**، به اهتمام جیب الله ابراهیم زاده. کابل: میوند.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۰۲) **نسخه خطی شور عشق**، شماره: ۹۵۵۶، تهران: کتابخانه مجلس.
- انصاری، سعدالدین احمد (۱۳۲۸) **نسخه خطی شور عشق**، شماره ۱۵۳۱۱ پاکستان: کتابخانه گنج بخش.

- امام خمینی، روح الله، (۱۳۵۹) ترجمه مصباح الهدایه، تهران. انتشارات زمان.
- جوکار، نجف و دیگران (۱۳۹۵) نوآوری و قالب شکنی در شعر سعدالدین، فصلنامه فنون ادبی، سال هشتم، شماره یک، بهار ۱۳۹۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۳) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عزیزالدین بن محمد نسفی، (۱۳۴۱) مجموعه رسائل (الانسان الکامل)، تهران: چاپ ماریژان موله.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰). تاریخ نسخه پرداززی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مجلسی محمد باقر، (۱۳۷۰) بحار الانوار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مجلسی محمد باقر، (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوشاهی، عارف (۱۳۹۰) سیه بر سفید: مجموعه گفتارها و یادداشت ها در زمینه کتابشناسی و نسخه شناسی، ج ۱، مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی